

در این درس سه سؤال اصلی مطرح شده است.

الف) علم در جهان اسلام و قرآن کریم چه جایگاهی دارد؟

ب) علم نافع (Beneficial Science) دارای چه ویژگی هایی است؟

ج) علوم اجتماعی چه پیشینه ای در جهان اسلام دارد؟

بحث و پاسخ به سؤال اول: علم در جهان اسلام و قرآن کریم، چه جایگاهی دارد؟

جایگاه و منزلت علم در جهان اسلام و قرآن کریم

- ✓ در اسلام، علم از مهم ترین ارزش هاست
- ✓ در قرآن کریم، از علم بعنوان هدف آفرینش (خلقت) یاد شده است.
- ✓ در قرآن کریم، علم، علت برتری انسان بر فرشتگان معرفی شده است.
- ✓ در قرآن کریم، انسان به سبب علم، خلیفه خداوند در زمین شده است.
- ✓ قرآن کریم، کتاب علم است و از نظر قرآن کریم، پیامبران برای تعلیم و تربیت مبعوث شده اند.
- ✓ از نظر قرآن کریم؛ علم مراتب و انواعی دارد و یادگیری همه علوم ارزش یکسانی ندارند. (آموختن برخی علوم مانند سحر و جادو در اسلام و قرآن، منع شده و در مقابل یادگیری علوم نافع (سودمند) لازم و ضروری دانسته شده است).

علم نافع (Beneficial Science) : علمی است که موجب عزت و قدرت یک کشور شود. (مقام معظم رهبری : دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است). (علمی که متناسب با فرهنگ جامعه و سودمند برای آن باشد).

نوع شناسی علوم نافع در جهان اسلام : (Typology of beneficial science in Islamic world)

الف) نوع شناسی علوم نافع به لحاظ موضوعی (Thematically)

- ✓ علوم ابزاری که نیازهای روزمره جامعه اسلامی را برطرف می کنند. مانند: علم پزشکی، علوم فنی و مهندسی و علوم پایه که به نوعی مادر این علوم به شمار می آیند، (این علوم از روش حسی و تجربی، استفاده می کنند).
 - ✓ علمی که درباره اهداف، ارزش ها و آرمان های انسان، مانند: عدالت، آزادی، مسؤولیت و ... صحبت می کنند. (این علوم، چگونگی استفاده از علوم ابزاری را مشخص می کنند). (مانند: فلسفه، منطق، علوم اجتماعی و ...)
- نکته : علوم اجتماعی (علم به جامعه و تاریخ)، در شرایطی بعنوان علوم نافع محسوب می شوند که؛ آموختن این علوم با هدف درس آموختن از گذشتگان و شناخت قوانین اجتماعی برای استفاده از آن قوانین در حال و آینده، صورت گیرد.

✓ علمی که درباره حقیقت انسان و آغاز و انجام او سخن می گویند. (علمی مانند: علم نفس، علم توحید، علم به مبدأ و معاد و ...). این علوم از جمله نافع ترین علوم محسوب می شوند.

(ب) نوع شناسی علوم نافع به لحاظ روشی (Methodological)

✓ علمی که از روش های حسی و تجربی استفاده می کنند. (مانند: علوم ابزاری).
✓ علمی که از روش های عقلانی و وحیانی استفاده می کنند (مانند علمی که از آغاز و انجام زندگی یا ارزش ها و آرمانهای انسانی سخن می گویند).

نکته: از آنجاییکه درجهان اسلام ابزار های شناخت علمی، علاوه بر روش های حسی و تجربی، روش های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می شود فلذا علوم نافع نیز علاوه بر علوم ابزاری شامل علوم دیگر نیز می شود.

نکته: نوع شناسی الف و ب، به نوعی با همدیگر همپوشانی (overlap) دارند و تفکیک مذکور صرفاً برای تصریح و روشن تر شدن ساختن بحث، صورت گرفته است.

علوم اجتماعی در قرآن: (اهداف علوم اجتماعی قرآنی):

قرآن کریم، در مسیر هدایت بشری، به زندگی اجتماعی انسان توجه ویژه ای دارد. (توجه قرآن کریم به زندگی اجتماعی انسان ها را می توان در قالب اهداف ذیل، جمع بندی نمود):

الف) توصیف و تبیین زندگی اجتماعی (در جوامع چه می گذرد و چرا؟).

توضیح: مهمترین ابزار تبیینی قرآن کریم در تبیین زندگی اجتماعی، مفهوم «سنت های الهی» است. (قرآن کریم، قوانین حاکم بر تداوم و تغییر جوامع و امت های مختلف را «سنت های الهی» می نامد و انسانها را برای شناخت این سنت ها تشویق می کند.

قرآن کریم، سنت های اجتماعی متعددی را به انسانها معرفی می کند و انسانها را به شناخت سایر سنت های الهی که در قرآن معرفی نشده اند، دعوت می کند).

ب) نقد و ارزیابی جوامع و فرهنگ های بشری.

توضیح: قرآن کریم به فرهنگ های مختلف و امت های گذشته اشاره می کند و رفتار و فرهنگ گذشتگان را مورد ارزیابی انتقادی قرار می دهد. رفتار عاقلانه شان را تأیید می کند و از رفتار جاهلانه (Ignorant behavior) و رفتار سفیهانه (Stupid behavior) آنها انتقاد می کند.

ج) ترسیم جامعه آرمانی.

توضیح: ویژگی های جامعه آرمانی از نظر قرآن کریم:

- ✓ در این جامعه، به عدالت و قسط رفتار می شود
- ✓ این جامعه، فرهنگ حق دارد.
- ✓ در این جامعه، به کسی ظلم نمی شود و در برابر ظلم دیگران، مقاومت می شود.
- ✓ این جامعه قصد ظلم به دیگر جوامع را ندارد و ظلم دیگران را نیز تحمل نمی کند. (نه ظالم و نه ظلم پذیر است).
- ✓ این جامعه تا آنجا که بتواند به ستم دیدگان و مستضعفان جهان یاری می دهد.
- ✓ از نظر قرآن کریم، پیامبران خدا برای ساختن جامعه و فرهنگ آرمانی (جامعه و فرهنگ مبتنی بر عدالت و قسط)، مبعوث شده اند.

علوم اجتماعی در قرآن (روشها و ابزارهای علوم اجتماعی قرآنی)

قرآن هم حس و تجربه را از ابزارهای علم اجتماعی میداند و هم از عقل و وحی بعنوان دو ابزار علمی یاد می کند و از همگان می خواهد که از این ابزارها برای علم آموزی و شناخت حقایق و وقایع اجتماعی و تاریخی استفاده کنند.

علوم اجتماعی و متفکران مسلمان

فارابی، ابوریحان بیرونی و ابن خلدون از جمله متفکران مسلمان در جهان اسلام هستند که با توجه به آموزه های قرآنی، علم اجتماعی نافع (سودمند) و متناسب با جهان اجتماعی خود را پدید آورده اند.

این سه متفکر جهان اسلام، در حوزه علوم اجتماعی، آثار مهمی از خود به جا گذاشته اند.

فارابی و علم مدنی (علم اجتماعی) : (رویکرد تبیینی، تفسیری و انتقادی)

ابونصر محمد فارابی، علم اجتماعی را زیرمجموعه علوم انسانی می دانسته و آنرا «علم مدنی» نامیده است.

فارابی و نوع شناسی جوامع :

فارابی با در نظر گرفتن جوامع زمان خود و جوامع گذشته و همچنین با استدلال عقلی، جوامع مختلف را بر اساس نوع علم، اندیشه، فرهنگ و رفتاری که دارند، به انواع مختلف تقسیم بندی کرده است.

الف) مدینه فاضله (جامعه فاضله): جامعه ای که بر محور علم سازمان یافته است. در این جامعه، علم به علم تجربی محدود نمی شود و علوم عقلانی و وحیانی را نیز در برمی گیرد. مدینه فاضله، جامعه آرمانی فارابی است..

ب) مدینه جاهله (جامعه جاهله): جامعه ای که از علوم عقلی بی بهره است. در این جامعه، علم ابزاری (علم مبتنی بر روش حسی و تجربی) می تواند وجود داشته باشد اما علمی که از ارزش ها، آرمان ها و حقیقت زندگی سخن بگوید (علوم مبتنی بر روش های عقلانی و وحیانی)، وجود ندارد. مثال : جوامع اساطیری مانند مصر باستان.

ج) مدینه فاسقه (جامعه فاسقه) : در این جامعه، با آنکه مردم علوم عقلانی و وحیانی را می شناسند. اما از آنها بهره نمی گیرند. یعنی با آنکه مردم حقیقت و عدالت را می شناسند یا امکان شناخت آنها را دارند. اما بر اساس آنها عمل نمی کنند.

د) مدینه ضاله (جامعه ضاله یا گمراه شده): در این جامعه، نظرات علمی پذیرفته شده در مدینه فاضله؛ تحریف می شوند و آرمان ها و ارزش های غیرعقلانی (امور غیرعقلانی) بعنوان آرمان ها و ارزش های عقلانی (امور عقلانی) معرفی می شوند.

شباهت و تفاوت مدینه های فاسقه و ضاله:

شباهت : هر دو مدینه، در نتیجه انحراف از مدینه فاضله شکل گرفته اند.

تفاوت : مدینه فاسقه در اثر انحراف عملی یا انحراف رفتاری (Behavioral deviation) از مدینه فاضله و مدینه ضاله در نتیجه انحراف نظری یا انحراف فکری (Intellectual deviation) از مدینه فاضله شکل گرفته است.

نکته :: فارابی جوامع زمان خود را مدینه های فاسقه و ضاله دانسته است.

ویژگی های علم مدنی فارابی:

- ✓ از همه طرفیت های علوم اجتماعی برخوردار است.
- ✓ به توصیف و فهم کنش ها و ساختارهای جوامع مختلف، می پردازد. (برخورداری از رویکرد تفسیری)
- ✓ به تبیین (علت یابی) واقعیت های اجتماعی و بررسی تغییرات و تحولات آنها می پردازد. (برخورداری از رویکرد تبیینی)
- ✓ دربارهٔ هنجارها، ارزش ها و آرمان های جوامع مختلف، داوری علمی می کند و رویکرد انتقادی به جامعهٔ خود و دیگر جوامع دارد. (برخورداری از رویکرد انتقادی)
- ✓ دربارهٔ هنجارها، نحوهٔ رفتار و سبک زندگی کنشگران سخن می گوید و باید و نبایدهایی برای زندگی اجتماعی، تجویز می کند.

علم مدنی فارابی؛ علم جامعی است که هر سه رویکرد تبیینی، تفسیری و انتقادی را در خود جای داده است.

ابوعلی مسکویه و کتاب تجارب الأمم یا (آزمون های مردمان). (رویکرد تبیینی)

ابوعلی مسکویه از دیگر متفکران اجتماعی جهان اسلام است که با رویکردی تبیینی، کتاب تجارب الامم را در هشت جلد تألیف کرده است.

ابوریحان بیرونی و کتاب ماللهند : (رویکرد تجربی - تفهیمی)

ابوریحان بیرونی از دیگر متفکران اجتماعی جهان اسلام است که با روش تجربی و تفهیمی، فرهنگ جامعهٔ هند را توصیف کرده و با استفاده از روش عقلی، به ارزیابی انتقادی این فرهنگ نیز پرداخته است.

ابوریحان بیرونی؛ عامل دشواری فهم دانش و معارف هندیان را در دو عامل ذیل می داند:

الف) پیچیدگی زبان و خط هندی

ب) به نظم درآوردن متون علمی توسط هندیان (این کار با هدف حفظ این متون از جعل و تحریف انجام می شده است).

ابوریحان بیرونی؛ علت وجود کاست ها (طبقات اجتماعی کاملاً بسته، موروثی و منفصل) در جامعهٔ هند را در عامل ذیل می داند:

باورهای دینی هندوها موجب پیدایش کاست ها می شده است، هندوها معتقد بوده اند؛ خداوند، جهان را اینگونه طبقه بندی شده آفریده است.

اهمیت امروزی ابوریحان بیرونی، روش شناسی او بوده است. ابوریحان بیرونی در بررسی های مذهبی، تاریخی و جغرافیایی خود، روش انتقادی را در کنار روش تجربی بکار برده است. روشی که او هزار سال پیش در بررسی های علمی خود در پیش گرفته بود. امروزه در تحقیقات مردم شناسی و جامعه شناسی متداول شده است.

پژوهش های ابوریحان بیرونی دربارهٔ مردم هند، با هم نشینی و مشاهدهٔ همدلانهٔ اعمال و رفتار هندی ها همراه بوده است. (امتیاز خاص و جاویدان ابوریحان بیرونی نسبت به هم عصرانش در این بوده است که او توانست دریابد که علاوه بر یونانیان، ملتی دیگر هم در جهان وجود دارد که دارای فرهنگ اصیل باشد و آن کشور هندوستان است. تا آن زمان، تمامی فضایی قرن سوم هجری (قرن ترجمه) و قرن چهارم هجری (قرن تحقیق)، صرفاً طرفدار دانش یونانی بودند).

ابن خلدون و علم عمران : (رویکرد حسی - تجربی)

مفهوم بنیادی ابن خلدون : عَصَبِيَّة ؛ بعنوان یکی از سنت های الهی در جامعه (عامل شکل گیری جوامع).

(عصبیت: عامل پیوستگی و انسجام اجتماعی و عامل پویایی و پیشرفت جامعه است که با رواج شهرنشینی و گرایش به تجملات بتدریج ضعیف می شود).

ابن خلدون یکی دیگر از اندیشمندان اجتماعی جهان اسلام است که با تأثیرپذیری از قرآن، بدنبال شناخت سنت های الهی در جامعه بود. او در مطالعات خود به روش عقلی توجه چندانی نداشت و بیشتر از روش حسی و تجربی استفاده می کرد و از اینرو از جامعه آرمانی سخنی نگفته است.

ابن خلدون با استفاده از تجربه تاریخی جوامع پیرامون خود، از «عصبیت» بعنوان عامل شکل گیری جوامع یاد می کند و این نظریه خود را به همه جوامع تعمیم می دهد.

نکته : رویکرد ابن خلدون انتقادی نیست و جامعه شناسی او در مقایسه با فارابی، محافظه کارانه است. ابن خلدون علم اجتماعی خود را علم عمران می نامد.

دلیل شناخته شده بودن ابن خلدون در جوامع غربی : (تشابه روش شناسانه آگوست کنت با ابن خلدون)

روش ابن خلدون در علوم اجتماعی، مشابه روشی است که ۴۰۰ سال بعد آگوست کنت (بنیانگذار علم جامعه شناسی) در جامعه شناسی تبیینی بکار گرفت. شاید به همین دلیل غربی ها وی را بیشتر از سایر متفکران اجتماعی مسلمان، می شناسند.

مقایسه انواع عقلانیت (مقایسه معانی مختلف عقل):

عقل به معنای عام؛ به هرگونه تلاش ذهنی و فکری گفته می شود که هم عالمان در دانش علمی از آن استفاده می کنند و هم عموم مردم در دانش عمومی از آن بهره می برند. در این معنا می توان از انواع عقل سخن گفت :

- عقل ابزاری (تجربی) (Instrumental Rationality) :

(متکی بر روش های حسی - تجربی و متناسب برای تبیین یا علت یابی پدیده های محسوس). (عقلانیت مدنظر جامعه شناسی تبیینی)

دانشمندان برای کسب دانش درباره پدیده های طبیعی و مادی (پدیده های محسوس) از این عقل استفاده می کنند و همواره به آزمون های حسی و روش های تجربی پایبندند. مثال: کاربرد عقل ابزاری (تجربی) در علم فیزیک، بررسی علل انقباض و انبساط فلزات / کاربرد عقل ابزاری (تجربی) در جمعیت شناسی، بررسی عوامل مهاجرت مردم.

جامعه شناسی تبیینی، از عقل ابزاری برای پیش بینی و کنترل پدیده های اجتماعی استفاده می کند.

-عقل تفسیری: (Interpretive Rationality):

(متکی بر روش های تفهیمی - تفسیری و متناسب برای تفسیر یا معنایابی پدیده های اجتماعی) (عقلانیت مدنظر جامعه شناسی تفسیری)

اندیشمندان برای فهم و تفسیر پدیده های معنادار مانند: کنش انسان ها، گفتار و متن، از این عقل استفاده می کنند. مثال: کاربرد عقل تفسیری برای فهم معنای کنش های افراد (معنای برخاستن یک فرد در جمع با کمک این عقل فهمیده می شود).

جامعه شناسی تفسیری، برای فهم دیگران و ارتباط با آنان یا معنا بخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی از این عقل استفاده می کند.

عقل انتقادی: (Critical Rationality):

(متکی بر روش های تفسیری - انتقادی و متناسب برای داوری ارزشی پدیده های اجتماعی و تجویز وضعیت مطلوب) (عقلانیت مدنظر جامعه شناسی انتقادی)

اندیشمندان برای ارزیابی و داوری دربارهٔ مناسبات و ارتباطات انسانی، از این عقل استفاده می کنند. مثال: کاربرد عقل انتقادی برای ارزیابی وضعیت ارزش های عدالت و آزادی در روابط انسانی.

جامعه شناسی انتقادی از عقل ابزاری و تفسیری عبور می کند و عقلانیتی را بکار می گیرد که ظرفیت و توان داوری ارزشی و انتقادی را داشته باشد و این ظرفیت و توان را در عقل انتقادی جست و جو می کند.

مثال هایی از کاربرد عقلانیت های سه گانه در زندگی روزمره:

عقل ابزاری: (عقل بعنوان یک ابزار برای کسب منفعت شخصی): در سخن گفتن با دیگری از زبان خود برای ترغیب او به انجام کاری که ما می پسندیم، استفاده می کنیم.

عقل تفسیری: (عقل بعنوان یک میانجی برای شناخت متقابل، تفاهم، توافق و تعامل): در سخن گفتن با دیگری از زبان خود برای شناخت یکدیگر، تفاهم و تعامل استفاده می کنیم.

عقل انتقادی: (عقل بعنوان یک روشنگر برای اصلاح یک رابطه ظالمانه): در سخن گفتن با دیگری از زبان خود برای اصلاح یک رابطه ظالمانه استفاده می کنیم.

..... برای مطالعه

رویکرد مقام معظم رهبری در خصوص دانش (بیانیه گام دوم انقلاب)

دانش آشکارترین وسیلهٔ عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است (دانایی، توانایی ببار می آورد). دنیای غرب، بواسطهٔ همین دانش خود، توانست برای خود، ثروت، نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند. دنیای غرب علیرغم تهیدستی و کم مایگی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، از طریق همین دانش توانست با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده (عقب مانده از علم)، سیاست و اقتصاد آنها را در اختیار خود قرار دهد. البته اینگونه سوء استفاده از دانش قابل توصیه به یک کشور اسلامی (ایران) نیست.

مقام معظم رهبری، مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمهٔ دانش در داخل کشور، اصرار نموده اند. (تولید دانش بومی). بنا به فرمایش مقام معظم رهبری؛ رستاخیز علمی و دستاوردهای دانش و فناوری ایران طی دو دههٔ گذشته، ایران را به رتبهٔ شانزدهم در میان بیش از دوپست کشور جهان رسانده و مایهٔ شگفتگی ناظران جهانی شده است. اما ایران اسلامی هنوز از قله های دانش جهان، بسیار عقب بوده و البته باید به آنها دست یابد.

مطالبهٔ عمومی مقام معظم رهبری در این خصوص از جوانان این است که تولید دانش را با احساس مسؤلیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.

کاست (Caste): اصطلاحی است که به نظام سنتی قشربندی اجتماعی در هند اشاره دارد. یک کاست؛ گروه اجتماعی بسیار بسته ای بوده است که درون همسری (ازدواج از گروه خود و از بین خویشاوندان) در آن معمول بوده است. امکان تحرک از یک کاست به کاست دیگر محال و غیرممکن بوده است. فردی که در یک کاست بدنیا می آمد تا آخر عمر در آن می ماند، نوع احترام، حیثیت و پاکی افراد را کاست آنها تعیین میکرد. افرادی که عضو یک کاست بوده اند، تنها می توانسته اند یک یا چند شغل مشابه پدری و اجدادی خود را دنبال کنند. کاست ها کاملاً منفصل و جدا از هم بوده اند.

در هند ۴ کاست اصلی وجود داشته است. این کاست ها به ترتیب منزلت و احترام اجتماعی عبارتند از: برهمن ها/جنگاوران/کشاورزان و بازرگانان/پیشه وران و مستخدمین. در هند به کسانی که فاقد کاست بوده اند، نجس گفته می شد. نجس ها فاقد هر گونه حقوق اجتماعی بوده اند.

نظام کاستی نمونه ای از توزیع افراد در جوامع ماقبل صنعتی بوده است.